

پیک

مام

پیوست شماره‌ی بیست و چهار
خرداد ۱۳۹۵

پیوست پیک مام به مناسبت روز جهانی خانواده
(۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۱۵ می ۲۰۱۶)

همان‌طور که می‌دانید ۱۵ ماه می میلادی روز جهانی خانواده است که معمولاً در ایران ۲۵ اردیبهشت به عنوان روز جهانی خانواده اعلان شده است .

موسسه مادران امروز به بهانه‌ی این روز و برای جلب توجه همگان به اهمیت خانواده، نقش و جایگاه آن و حفظ و تحکیم نهاد خانواده، همه ساله در چنین روزی برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا می‌کند.
امسال نیز به این مناسبت، برنامه‌های زیر را برگزار کرده است :

۱- نشست تخصصی ۹۵/۲/۲۵ در موسسه مادران

امروز با عنوان‌های زیر:

- بخش اول: بیانیه موسسه مادران امروز
- بخش دوم: قرائت پیام دبیرکل سازمان ملل به مناسبت روز جهانی خانواده توسط نماینده‌ی سازمان ملل
- بخش سوم: سخنان کارشناسان حاضر در میزگرد روز جهانی خانواده
- بخش چهارم: گزارش فعالیت‌های انجام شده نهادها و سازمان‌ها

۲- گفت‌وگوی دوستانه، گردش، بازی‌های خانوادگی

در تاریخ ۹۵/۲/۲۴

موسسه مادران امروز (مام)

تهران. خ ولی عصر، ابتدای خ شهید مطهری، کوچه سربداران،
نبش کوی جهانسوز، پلاک ۳۷، تک زنگ زیر همکف.

تلفن و دورنگار ۸۸۷۲۸۳۱۷-۸۸۷۲۸۳۱۷ - ۸۸۹۰۱۴۳۶ - ۸۸۹۰۳۴۵-۸۸۹۰۳۴۵

نشانی الکترونیکی :

info@madaraneemrooz.com

نشانی سایت :

www.madaraneemrooz.com

اینستاگرام :

valedeyn_va_farzandan

کانال اطلاع‌رسانی:

<https://telegram.me/madaraneemrooz1>

نشست تخصصی

بخش اول : بیانیه‌ی موسسه مادران امروز به

مناسبت روز جهانی خانواده ۱۳۹۵

۱۵ ماه می میلادی، ۲۵ اردیبهشت خورشیدی، روز جهانی خانواده است.

در سال ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۳ خورشیدی) خانواده مورد توجه رسمی سازمان ملل قرار گرفت و سرانجام پس از ده سال طرح مسئله و مقدمه‌چینی‌های اداری، سال ۱۹۹۳ میلادی (۱۳۷۲ خورشیدی) را به عنوان "سال جهانی خانواده" اعلان کرد.

از سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) طبق تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به منظور ایجاد فرصتی برای جلب توجه جهانیان به اهمیت خانواده، این نهاد بنیادین جامعه، روز پانزدهم ماه می میلادی (بیست و پنجم اردیبهشت ماه خورشیدی) روز جهانی خانواده اعلام شد.

در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۴) به منظور بزرگداشت دهمین سالگرد برگزاری روز بین‌المللی خانواده در سراسر جهان، مراسم ویژه‌ای برگزار شد که در ایران نیز موسسه مادران امروز طراحی و اجرای مراسم بزرگداشت دهمین سالگرد روز جهانی خانواده در سطح ملی را به عهده داشت.

موسسه مادران امروز به عنوان اولین موسسه‌ی غیردولتی که محور اصلی کارش خانواده است، همه ساله این فرصت را برای جلب توجه همگان به خانواده و تحکیم آن غنیمت شمرده و برنامه‌هایی به این منظور تدارک دیده است. ما بجز کار آرام، پیوسته و همیشگیمان برای ارتقای آگاهی و مهارت‌های مورد نیاز خانواده‌ها، در مناسبت‌های مربوط به خانواده نیز به صورت نمادین برنامه‌هایی تدارک می‌بینیم، با این آرزو که توجه همگان را به اهمیت خانواده و حمایت از آن جلب کنیم.

نشست تخصصی

بخش دوم : پیام بان کی‌مون - دبیر کل سازمان ملل متحد به مناسبت روز جهانی خانواده ۲۰۱۶

تهران ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد) - دبیر کل سازمان ملل متحد در پیامی به مناسبت روز جهانی خانواده ۱۵ می ۲۰۱۶ برابر با ۲۵ اردیبهشت ماه جاری.

متن کامل پیام بان کی‌مون به شرح زیر است:

امسال، روز جهانی خانواده با برهه‌ای از تحول و فاجعه برای خانواده‌ها در سراسر جهان مصادف است. ظهور افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، اثرات جابه‌جایی‌های اجباری، رخدادهای شدید آب و هوایی و سایر چالش‌ها موجب خسارت سنگین بر سلامت و کرامت خانواده‌ها در موقعیت‌های بحرانی شده است. حتی در جوامع نسبتاً با ثبات، خانواده‌ها هنوز با خشونت، تبعیض و فقر مبارزه می‌کنند.

خانواده‌ها در خطوط مقدم تلاش‌های جهانی ما به‌منظور درک دستور کار جسورانه و فراگیر ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار قرار دارند. آن‌ها از اهمیت ویژه برای دستیابی به آرمان سوم از آرمان‌های توسعه پایدار برخوردارند که براساس آن تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد متعهد به ارتقای زندگی سالم و رفاه برای همگان در هر سنی هستند.

کودکان زمانی پیشرفت می‌کنند که عشق و مراقبت بهداشتی همچنین آموزش و سایر خدمات اساسی را دریافت کنند. در دوران حساس بلوغ، جوانان به حمایت احساسی همراه با خدمات و اطلاعات بهداشت باروری مولد نیاز دارند. میزان خودکشی در میان جوانان همجنس‌گرا، دو جنس‌گرا یا تراجنس‌گرا نسبت به جمعیت معمولی بسیار بیش‌تر است که ایمنی و پذیرش آنان را تبدیل به مسئله‌ای در حوزه سلامت عمومی کرده است.

زنان و دختران در بسیاری از جوامع، تبعیض و خشونت را در خانواده‌های خود تجربه می‌کنند که می‌تواند اثرات جدی و طولانی بر سلامت و رفاه آنان داشته باشد. همچنین زندگی خانوادگی برای سلامت افراد سالمند تا هنگامی که فعال و سالم هستند و همکاری‌های آنان در خانواده و جامعه گرامی داشته می‌شود، تعیین‌کننده است.

دولت‌ها باید از نقش مهم خانواده‌ها در همه گونه‌های متنوع آن حمایت کنند. آن‌ها باید دسترسی به خدمات بهداشت باروری ارایه دهند تا والدین بتوانند درمورد زمان‌بندی و گستردگی خانواده‌های خود تصمیم بگیرند. همچنین مراقبت‌های دوران بارداری و مرخصی پدران برای قادر ساختن والدین به منظور ارائه بهترین شروع ممکن زندگی به نوزادان خود مهم است.

اینجانب همه دولت‌ها، بخش تجاری، موسسات و سایر شرکا را فرا می‌خوانم تا درک نمایند مراقبت بخش مهم زندگی

ما همواره گفته و خواسته‌ایم که هر فرد، سازمان، نهاد، تشکل، اداره و وزارتخانه، مهدکودک، مدرسه و مرکز فرهنگی، تفریحی یا آموزشی به این فکر کند که از کجا و چگونه می‌تواند به حفظ و بقا و سلامت این نهاد ارزشمند یاری رساند.

بنام آرزوی ما که هر مهد کودک و مدرسه‌ای در هر محله، خیابان، شهر و روستایی، کانونی بشود برای ترویج آگاهی بین خانواده‌ها.

اکنون ما شاهد نوعی جنب‌وجوش و حرکت در این جهت در بین سازمان‌ها و مراکز فرهنگی به‌ویژه سازمان‌های غیر دولتی هستیم.

ما خوشحالیم، اما این تازه آغاز راه است. ما به خواسته‌ها و آرزوهایمان نزدیک می‌شویم. اما با نزدیک شدن به هر آرزو، آرزوی دیگری در سر می‌پرورانیم و برای تحقق آن، باز هم قدم‌های کوچکمان را استوارتر می‌کنیم.

ما در این مرحله به خودمان و به نقشمان در موقعیت کنونی جامعه فکر می‌کنیم.

حال که توجه به خانواده دارد فراگیر می‌شود، حالا که همان قدم‌های کوچک دارد رهروان و روندگان بیشتر، تازه نفس‌تر و متنوع‌تری می‌یابد، آیا می‌توان گفت دل خوش‌دار که به آرزویت رسیدی؟

ما خوشحالیم اما به نقش و رسالتان هم فکر می‌کنیم.

ما به آینده‌ی خانواده فکر می‌کنیم.

خانواده باید بماند و حیف است آسیب ببیند. آسیب به خانواده یعنی آسیب به جامعه، یعنی سست شدن جامعه، یعنی از دست رفتن پیوندهای عاطفی، جمعی و اجتماعی، یعنی بی‌پناهی، تنهایی و سرگردانی. ما به آینده‌ی خانواده و خطرات و آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌کند، فکر می‌کنیم و به آن چه باید به عنوان دانش موردنیاز در اختیار خانواده‌ها قرار گیرد؛ به تناسب آن با فرهنگ و هویتمان می‌اندیشیم؛ به کاربرد و اثر بخشی‌اش در حفظ کانون خانواده فکر می‌کنیم.

فضای مجازی، چگونگی استفاده از آن و اثرش در حفظ یا به هم‌ریختگی نهاد خانواده و استفاده‌ی درست از آن برای بقای خانواده یکی دیگر از دغدغه‌های ذهنی ماست. ما نگران ترویج برخی اطلاعات سطحی، فوری و بدون پشتوانه‌های علمی و عملی که از طریق اینترنت و فضای مجازی در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد، هستیم.

ما به شکل‌های مختلف خانواده که هم‌اکنون به‌عنوان

برون‌رفتی برای حل مشکلات خانواده در سطح جامعه، دارد

رواج پیدا می‌کند، فکر می‌کنیم.

ما می‌خواهیم باز هم برای نزدیک شدن به آرزوهایمان وظیفه و نقش خود را در گام‌های کوچک، عملی با پشتوانه‌ی علمی و قابل اجرا برای خانواده‌ها ارایه دهیم.

ما با کمک همدیگر می‌توانیم برای سلامتی و پایداری خانواده و توانمندتر کردن آن در برابر آسیب‌های احتمالی بکوشیم.

خانوادگی است. هر فرد نیاز به مراقبت و توجه از جانب اعضای خانواده در برهه‌ای از زندگی خود دارد و همه باید قادر باشند این توجه و مراقبت را زمانی ارائه دهند که به آن نیاز است. ترویج محیط‌های خانوادگی حمایتی و فرزندپروری مثبت از راه سیاست‌ها و قوانین می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا فرزندان سلامت و شادی پرورش دهند که به بزرگسالانی ارزشمند و مولد تبدیل شوند.

هیچکس عقب نگاه داشته نشود یعنی هیچ خانواده‌ای عقب نماند.

در این روز جهانی خانواده اجازه دهید تصمیم بگیریم توسعه پایدار را با ایجاد محیط حمایتی به پیش ببریم، جایی که اعضای خانواده در همه سنین بتوانند توان بالفعل خود را برای کمک به جهان ما به رسمیت شناسند.

نشست تخصصی

بخش سوم : خلاصه‌ای از سخنان کارشناسان حاضر در میزگرد روز جهانی خانواده در موسسه مادران امروز :

آقای دکتر حسام فیروزی - روانپزشک و طراح

برنامه‌های مهارت‌های زندگی

موضوع : خانواده و فضای مجازی

در درون کعبه رسم قبله نیست

چه غم است غواص را پاچینه نیست

چون رسیدن بام‌های آسمان

سخت باشد جستجوی نردبان

اگر روی زمین هستیم برای بالا رفتن به بام، به دنبال نردبان

می‌گردیم. وقتی که رسیدیم به بام، اگر دنبال نردبان بگردیم

یک کار بی‌هوده‌ای است. این نگاه نشان از یک نگاه پراگماتیسم

و تحلیلی‌گرا است. هر جایی یک موقعیت خاصی است و باید

عمل خاصی را انجام بدهیم و دنیای سنتی تغییر می‌کند و وارد

دنیای مدرن می‌شویم و زندگی می‌کنیم.

چهارچوب‌های این دو دنیا با یکدیگر متفاوت هستند. طبیعتاً

دنیایی که خوب و بد برایشان مطرح بود و هر چیزی براساس

خوب بودن یا بد بودن آن مطرح می‌شد که درون آن‌ها احکامی

بود که باید‌ها و نبایدها را شامل می‌شد و وسیله‌ای که سوارش

می‌شدند تقلید بود و رفتاری که دیگران انجام داده بودند و آن

ماشین که آن‌ها سوارش بودند و GPS آن‌ها باورهایشان بود

و باورهایشان قابلیت به روز شدن را ندارد ولی امروزه دنیا،

دنیای مدرن است و براساس این‌که ازدواج خوب است یا بد

است، طلاق خوب است یا بد است، بچه‌دار شدن خوب است یا

بد است و در این خصوص صحبت نمی‌کند بلکه دنیای امروز براساس:

- سود و یا زیان یک رفتار عمل می‌کند اگر بخواهیم چهارچوب‌های دنیای مدرن را نگاه کنیم.

- مسئولانه هست یا نیست.

- به درد الان من می‌خورد و یا نمی‌خورد (زود بازده است یا خیر)

پس براساس ماشین تقلید، دیگر نمی‌توانیم حرکت کنیم.

امروزه آن چیزی را که باید سوار شویم همان ماشین آموزش

است و این را می‌دانیم که دنیای سنتی، دنیای محدودیت‌ها

بوده و آپشن‌های متفاوتی نداشته است ولی دنیای مدرن

نامحدود است و به همان میزان دنیای ناکامی‌ها به‌شمار

می‌آید. (یعنی این‌که این قدر آپشن‌های متفاوت در آن وجود

دارد و لحظه‌به‌لحظه چیزی جدید پیش می‌آید که به من حس

ناکامی دست می‌دهد و ما باید این ناکامی و محدودیت‌هایی

که در آن قرار می‌گیریم را بگذرانیم. پس این‌جا است که

ضرورت آموزش دیده می‌شود که افراد کمتر آسیب ببینند و

برای خود آرزوهایی به‌دست آورند.

براساس نظریه دکتر گلاسیر انسان‌ها پنج نیاز اساسی دارند.

۱- عشق و تعلق که از طریق ارتباط به وجود می‌آید.

۲- نیاز به بقا

۳- نیاز به آزادی

۴- نیاز به قدرت و ارزشمندی

۵- نیاز به تفریح

که براساس ژن‌ها تعریف شده‌اند که ارتباط در وجود من است

پس باید گفت: انسان یعنی ارتباط

شاید نهاد خانواده صورت و شکل آن تغییر کند، ولی هیچ‌گاه از

بین نمی‌رود و این خانواده با ارتباط می‌تواند ارتقاء پیدا کند.

انسان برای رشد نیاز به ارتباط دارد. اگر ارتباط را قطع کنیم

دیگر انسان وجود ندارد.

برای همین، مثلاً فردی که خلاقی انجام می‌دهد و به زندان

می‌افتد، یعنی ارتباطش را قطع می‌کنند. پس اگر ارتباط را قطع

کنیم یعنی انسان وجود ندارد.

از زمان خلق بشر، روی کره زمین انسان‌ها دوتا دوتا در غارها

بودند و بعد بیرون آمدند. روستاها و شهرها تشکیل شد و

ارتباط‌ها گسترش پیدا کردند و چون در دنیای مدرن علم

ارتباط وجود نداشت، دوباره انسان‌ها در این دنیای مدرن شروع

کردند به شکل سلول سلول شدن و دوباره رفتند در غارهای

خودشان.

اما این ژن است که نیاز به ارتباط در درونشان را شکل

می‌دهد. پس دوباره شروع کردند به ارتباط برقرار کردن. در

دنیای مدرن با فضای مجازی شروع شد به شکل گرفتن

به‌صورت تلفن، اینترنت، تلگرام و ... در این‌جا است که باید

یک مکانیزم شیمی و فیزیک (همان مغناطیس) شکل بگیرد تا

این ارتباط برقرار شود و اغنا شود و ارتباط شکل بگیرد. باید

مهارت ارتباط را داشته باشیم و به هیچ عنوان در دنیای مجازی هم نمی‌توانیم ارتباط درستی داشته باشیم و زخمی بر زخم‌های خود اضافه می‌کنیم. متأسفانه الان در جمع‌های خانوادگی و مهمانی‌ها می‌بینیم که هر کس مشغول موبایل خودش است و ارتباط با یکدیگر برقرار نمی‌کنند چون اگر ارتباط برقرار کنند، منجر به دعوا و بگومگو خواهد شد.

پیازه روانشناس سوئسی یک آزمایش را با بچه‌ها انجام داد. در واقع در مورد ذهن "کانکریت" و ذهن "آبستره" صحبت می‌کند که کودک کاملاً ذهنی دارد که کانکریت و مطلق است. یک کوه اسباب‌بازی می‌گذاشت روی میز و کودک را می‌نشانده روی خودش (کودک زیر هفت سال) و طرفی از کوه سبز بود و طرف دیگر قرمز. بعد از کودک می‌پرسید چه می‌بینی؟ کودک می‌گفت که سبز می‌بینم. بعد جای خود و کودک را عوض می‌کرد و دوباره از اول سوال می‌کرد که چه می‌بینی و کودک جواب می‌داد قرمز می‌بینم. بعد می‌پرسید: به نظرت من آن طرف چه رنگی را می‌بینم؟ آن چه که خودش می‌بیند. بنابراین کودک زیر هفت سال نمی‌تواند تشخیص بدهد که پشت آن چیزی که من می‌بینم، آن هم می‌تواند چیز دیگری ببیند.

این سندرم در جامعه زیاد است. همان است که به آن می‌گویند بالای چشم‌ت ابرو است و بهش برمی‌خورد. به این دلیل است که او این را درک نمی‌کند که من چیز دیگری می‌بینم و تو نمی‌توانی چنین نکته‌ای ببینی.

ما دو انسان متفاوت هستیم.

به طبع اگر کودک این کودکی‌های خود را بیاورد بالا، دیگر فرق نمی‌کند که من پنجاه ساله یا چهل ساله باشم و نمی‌توانم ببینم که شما چیز دیگری می‌بینید. پس ارتباط من و شما قطع می‌شود. یکی از تکنیک‌هایی که به پدر و مادرها آموزش باید بدهیم این است که از همان کودکی پدر و مادرها باید به کودک بیاموزند که ما انسان‌ها متفاوت هستیم پس نظرهای متفاوتی هم داریم. پس من فقط دارم اشاره می‌کنم به کوچک‌ترین تکنیکی که می‌تواند تغییر ایجاد کند که زمانی در موقعیتی قرار بگیرم و جور دیگری فکر کنم و شما جور دیگری، نگوییم که شما اشتباه می‌کنید.

یکی از چیزهایی که پدر و مادرها به دلیل عدم ندادن آموزش در کودک رشد می‌دهند، اضطراب است. در بحث ازدواج سفید می‌توانیم بگوییم که ازدواج از مفهوم تعهد می‌آید و آن تعهد همان است که من بتوانم یکی از نیازهای خود را مهار کنم که همان نیاز به آزادی است. به طبع ازدواج ممکن است که یکی از نیازهای من را جواب بدهد که عشق و تعلق است ولی از آن طرف نیاز من به آزادی را مختل می‌کند. اگر من مهارت لازم را نداشته باشم که بتوانم این دو را به تعادل برسانم، یکی از شکل‌های آن می‌شود، ازدواج سفید که همان است که تا زمانی با فردی در یک خانه زندگی می‌کنیم و هیچ تعهدی هم

ندارم و هر زمان خواستیم، بگوییم خداحافظ. در این‌جا باید به نقش والدین در ایجاد احساس مسئولیت از زمان کودکی اشاره کرد که توسط والدین آموزش ببینند.

اصلی‌ترین نیازهای انسان در زندگی:

۱- خلاقیت

۲- اعتماد به نفس

۳- عزت نفس

۴- مسئولیت‌پذیری که اگر در کانون خانواده آموزش داده نشود، که من مسئولیت‌پذیری را در واقع در درون خودم از سنین پایین متناسب با سن انجام بدهم. در بزرگسالی هم طبیعتاً در مسئولیت‌پذیری دچار مشکل می‌شویم.

از زمانی که این ساختار برایشان شکل گرفت که ارتباطاتشان دچار مشکل شد، که نتوانستند مسئولیت پیدا کنند وقتی از ابزاری به نام انسان نمی‌توانیم استفاده کنیم. یعنی هر موقع با شما کار دارم به شما زنگ می‌زنم در واقع زمانی که نیازی داریم.

باید مسئولیت یک ارتباط را بپذیریم. وقتی که مسئولیت یک ارتباط را بپذیریم می‌رویم در فضای مجازی، فضای مجازی حالا همان نقش‌هایی است که به آن نرسیده‌ایم و توان آن را نداشتیم و اعتماد به نفس و عزت نفس را برای رسیدن به اهداف نداشتیم و در آن فضا می‌توانم هر نقشی را که دوست دارم بازی کنم.

در فضای مجازی انسان‌ها یک نیازی درونشان است که دست به این کار می‌زنند و نقش‌های زیادی را بازی می‌کنند ولی روش من با نیاز من هماهنگ نیست پس این دو وقتی با یکدیگر خوانش نداشته باشد دچار مشکل می‌شویم.

دنیای مدرن نیاز به ابزار دارد و مرتب در حال ساخت ابزار است. فضای مجازی هم در انسان‌ها یک نیاز بوده است. پس باید بدانیم این ابزار فقط برای آن خواسته‌ای که وجود داشته است، ساخته شده است.

در دنیای کنونی مجازی، هر کسی به یک کنجی رفته است و قایم شده است. پشت کیبورد و با یک عکس سلفی با دیگران در ارتباط هستیم. این‌جا هست که در واقع می‌تواند آسیب بزند. یکی دیگر از مشکلاتی که خانواده دارند "مدارس سخت‌گیر" که به شدت سخت می‌گیرند و در این‌جا مادر، نقش مادری و همسری را کنار می‌گذارد و می‌شود معلم، قاضی، پلیس و چون نمی‌تواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا کند، دایم با کودکش درگیر می‌شود و این که اولویت نقشش تغییر کرده است.

رابطه‌ای که باید شکل بگیرد صورت نمی‌گیرد و همسران با یکدیگر به خاطر فرزندان‌شان به دعوا می‌افتند و در حالی که این رابطه باید مستقیم باشد تا کودک احساس امنیت بکند.

اشک‌های دختر جوان با شتاب بیشتری به گونه‌هایش می‌سرید و با صدایی حزن‌آلود می‌گفت "دوست دارم با پدرم بیشتر حرف بزنم اما نمی‌توانم می‌ترسم، دلخورم، پدرم تحصیلکرده است و در اجتماع پست و مقامی دارد اما، همیشه زن را تحقیر کرده... من هم رشته پدرم هستم، مادرم هم بسیار موفق است اما پدرم در همه چیز فقط حرف خودش را می‌زند، مادرم صبوری می‌کند، من نمی‌توانم تحمل کنم". در لابه‌لای کلماتش، نیاز به تایید شدن از سوی پدر را فریاد می‌زد. انگار مردسالاری در رگ و پی روان مادر و پدر بافته شده است. با این وجود، دختر می‌خواهد بر خلاف قاعده سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، به گفت‌وگو با پدر بنشیند. می‌خواهد به عنوان فردی مستقل، نقشی متمایز از مادر داشته باشد. خواسته‌ای که در دو دهه پیش، عرف بر این بود که در سرزمین آرزوها مدفون شود. اما، این روزها، زن این حق را دارد که نه فقط مادر و کدبانوی خانه که شهروندی مستقل، برخوردار از آگاهی و عقلا نیت و دارای استقلال مادی باشد. به نظر می‌رسد، نقش‌های جنسیتی زنان در حال تغییر است. آزادی‌های بیشتری را می‌طلبند. می‌تواند خواسته‌هایی مستقل از همسران و پدران خویش را دنبال کند، اما در بستر فرهنگ مردسالارانه، احقاق این حق چگونه است، زنان و مردان در طیف‌های مختلف این حق را تا چه اندازه مشروع می‌دانند و توان برخورداری از آن را دارند؟ تناقض‌ها و تغییرات جامعه در این چند دهه‌ی اخیر و طرح سوال در باب نظام‌های پدرسالارانه و مردسالارانه و افسون‌زدایی از مراجع قدرت، تنها محدود به تغییر جایگاه زنان نمی‌شود که بر رابطه والدین و جوانان نیز اثر گذاشته است. این روزها، تعداد والدینی که نگران آینده جوانانشان هستند، بیشتر از گذشته‌هاست. بسیاری از خانواده‌ها نقش حمایتی پررنگی را ایفا می‌کنند. جوانان بیست تا سی ساله‌ی امروز، از آزادی‌هایی برخوردار هستند که در دو دهه‌ی پیش، چندان رایج نبود، از تنوع و رنگارنگی در غذا تا انتخاب نوع لباس و نوع رابطه. او احساس می‌کند که می‌تواند و می‌بایست سرنوشت خویش را خود رقم بزند و خود را از یوغ گذشته‌ای که برخی آرمانی‌اش می‌نامند، رها کند. اما، والدین انتظارهای دیگری دارند احتمالاً آن‌ها در قبال توجه و حمایت نوعی از فرمانبرداری را می‌طلبند، نه لزوماً آن فرمانبرداری مطلق و تام که شاید به نیم قرن پیش بازگردد، که به قول ایشان تنها آرزویشان خوشبختی جوانان است و مگر خوشبختی چیزی جز انتخاب شغل مناسب در شان خانواده و به‌ویژه انتخاب همسری در شان خانواده است. اما، جوان گستره گیتی را آستن بودن‌هایی متنوع و متفاوت می‌داند و در این میان انتخاب، امری دشوار و اضطراب‌زا می‌شود. نه فقط به آن دلیل که شغلی خاص و رابطه‌ی محدود زناشویی او را از

سایر امکان‌ها و بودن‌ها محروم می‌کند که مهم‌تر از آن، نمی‌داند چگونه با مسئولیت انتخاب و خودمختاری کنار بیاید و شاید با چنگ‌زدن به لحظه‌ها و دلبستگی به چیزهای ناپایدار و رابطه‌های متعدد اضطراب انتخاب را کاهش می‌دهد.

به این ترتیب، انتظارات والدین و جوان از زندگی و رابطه، نه تنها هم‌سو نیستند که گویی هر یک در جهان‌هایی متفاوت زندگی می‌کنند. در این میان، گفت‌و شنودی بی‌پایان تنها پل ارتباطی بین این دو جهان است، تعاملی چهره به چهره تنها ناجی رابطه خواهد بود. اما، گفت‌وگو در ذات خود کاری دشوارتر است. در دنیای سالارها از فرزندسالاری تا پدرسالاری دشوارتر می‌شود و این روزها به دلیل ورود دنیای دیجیتال به زندگی روزمره به غایت دشوارتر و پیچیده‌تر شده است. اثربخشی مثبت تکنولوژی و دنیای دیجیتال بر زندگی روزمره را نه می‌توان انکار کرد و نه می‌توان از آن چشم پوشید. اما، دسترسی لحظه‌به‌لحظه به یکدیگر و دنیای مجازی، بر رابطه‌ی والد و فرزندی و نیز بر ابعاد گوناگون زندگی جوانان تأثیری متمایز گذاشته است. والدین انتظار دارند تا فرزند جوانشان در دسترس باشد، هیچ‌گاه جز صدای خودش، آن صدای اضطراب‌زا و نگران‌کننده‌ای که تلویحاً اشاره می‌کند نمی‌دانم کجاست، را نشنوند. گویی موبایل کنترل از راه دور فرزند است و اصولاً یکی از استفاده‌هایی است که محل مناقشه است. این انتظار نابه‌جای در دسترس بودن، فرآیند فردیت یافتن و استقلال را می‌تواند مختل کند. لحظه‌ای که جوان لازم است فقط روی خودش و توانایی‌هایش حساب باز کند و هیچ‌کس جز او قرار نیست مسئولیت آن را بپذیرد، با تلفنی کوتاه از اقصی نقاط دنیا تقاضای کمک می‌کند. به هر روی، والدین معمولاً در شگفت‌اند که چرا موبایل مثل چیزی از بدن همیشه همراه جوانان است. در واقع والدین موبایل را فقط وسیله‌ای می‌دانند که ارتباط را آسان‌تر می‌کند اما، برای جوان موبایل معنایی اجتماعی دارد. در اکثر مواقع، هیچ تماسی - البته به جز تماس‌های مکرر والدین - بی پاسخ نمی‌ماند و این گویای نیاز جوان به ارتباط و پیوند است. عضویت در شبکه‌های اجتماعی و ارتباط با دیگری‌هایی ناآشنا و آشنا، که هویتی سیال و حتی گاه جعلی دارند، امکان بازتاب من جوان به دیگری را فراهم می‌کند و از این طریق جوان، خود را در آینه دیگری‌ها باز می‌یابد. از آنجایی که در دنیای مجازی، آینه‌ها متکثر و گوناگون هستند، گویی جوان خودهایی متکثر و متفاوت را به سان لباس‌هایی گوناگون بر تن می‌کند و در نقش‌هایی متفاوت، خود را محقق می‌کند. بدین سان، شناسایی خود در نگاه دیگری، نیاز اساسی دیده شدن و یافتن "خود" را پاسخ می‌دهد. در واقع، تعریف "خود"ی هویت یافته و منسجم که در دنیای واقعی اضطراب‌زا و سخت است، تحقق‌اش در دنیای مجازی آسان و سهل می‌شود. از این رو، جوان در شبکه‌های مجازی نیازش به تعلق داشتن، ارتباط، دیده شدن توسط دیگری‌های متکثر و تجربه "خود"ی‌های

متنوع را برآورده می‌کند. او می‌تواند با ورود به دنیای مجازی، رابطه‌هایی صمیمانه را شکل دهد. این صمیمت‌ها تا آن‌جا پیش می‌رود که سبک جدیدی از رابطه شکل می‌گیرد، گزینش همسر یا شریک زندگی در دنیای مجازی. شیوه‌ای که در ابتدا وسوسه‌انگیز است. امکان انتخاب از میان صدها نفر، میل سیری‌ناپذیر به توهم قدرت انتخاب را دامن می‌زند و به دلیل کنترل بر تصویری که از خود ارایه می‌دهد و تصویری که از دوست مجازی‌اش بر می‌سازد، بسیار آسان‌تر از تعامل در دنیای واقعی است. در آن‌جا می‌توان با انتخاب هوشمندانه چند آیکون و کلمات مناسب، هیجانات واقعی و غیرواقعی خود را به نمایش بگذارید، حال آن‌که در واقعیت، روزها و ساعت‌ها باید فکر کنی که چگونه هیجان خود را بروز دهی و یا پنهان کنی. اما رابطه‌های صمیمانه مجازی و انتخاب زوج، نه تنها برای جوان ممکن است آسیب‌هایی به همراه داشته باشد، که برای والدین نیز درک ناشدنی می‌نماید. اما، آن‌چه جوان را در مقابل این آسیب حفظ می‌کند، درک نیاز وی برای ارتباط و پیوند است. نه ارتباطی از جنس والد مابانه که دوستی و هم صحبتی با جنس مخالف. اما، این نیاز به ارتباط با جنس مخالف تنها نیاز به دیده شدن و تعامل نیست که بعد مهم‌تری نیز دارد و آن برآورده شدن نیاز جنسی است. نیازی طبیعی که اگر نگوئیم همه عمر حداقل از دوران نوجوانی به بعد تا پایان عمر با ماست. نیازی که مبنای شکل‌گیری خانواده است و نحوه‌ی پاسخگویی به آن بنا بر هنجارهای اجتماع متفاوت است. طبیعتاً در جامعه‌ای که ارزش‌های اجتماع و به تبع آن نقش‌های زن و مرد تغییر کرده و دنیای دیجیتال تأثیری شگرف بر دنیای ارتباطات گذاشته است، ارتباط زن و مرد در قالب زوج نیز دستخوش تغییر می‌شود. مقایسه‌های شیوه‌های گزینش همسر یا شریک زندگی در نیم قرن گذشته، حکایت از سرعت شتابان تغییرات دارد. تا چند دهه‌ی پیش، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها یکدیگر را سر سفره عقد ملاقات می‌کردند، به اصطلاح خودشان بزرگ‌ترها انتخاب کرده بودند و کم‌ترین سهم از آن عروس و دامادی بود که قرار بود یک عمر زندگی کنند. کم‌کم آشنایی‌های قبل از ازدواج مهم‌تر شد، اما هدف از آشنایی، به محک گذاشتن و سنجش انتخاب نبود که ملاقات‌های گاه و بیگاه و تماس‌های کوتاه تلفنی هم شیرینی ازدواج را دو چندان می‌کرد و در نهایت، فرجام این دوستی در بسیاری از موارد، ازدواج بود. سرپال محبوب آن زمان، در پناه تو، قصه‌ی این رابطه‌ها را حکایت می‌کرد. اما، در این سفر زمان اگر به اکنون کمی نزدیک‌تر شویم، دوستی‌ها و رابطه‌ها به قصد آشنایی دختر و پسر با دنیای روانی یکدیگر و تجربه دوران عاشقی بدون در نظر گرفتن سرانجام بی‌فرجام آن رواج بیشتری گرفت. این اتفاق به دلایل گوناگون رخ داد که شاید بتوان از آن جمله به مهاجرت جوانان برای تحصیل به شهرهای مختلف و تفاوت‌های معنادار در معیارهای والدین و فرزندان اشاره کرد. اما دلیل آن هر چه بود، ظاهراً بخشی از

نیازهای جوانان را پاسخگو بود و در کنار ازدواج و تشکیل خانواده، آن نوع شیوه‌ی ارتباطی بقای خود را حفظ کرده است تا به امروز و احتمالاً فرداها. اما، این روزها، نوع دیگری از ارتباط به انواع دیگر افزوده شده است، آن هم شیوه‌ای است، موسوم به ازدواج سفید است. در این نوع ازدواج، در انتخاب شریک زندگی، دختر و پسر با توافق یکدیگر، مدتی معلوم/یا نامعلوم زندگی مشترکی را بدون تشریفات مرسوم، آغاز می‌کنند. معمولاً والدین نقشی در انتخاب آنان ندارند. شاید یکی از علت‌های کم‌رنگ‌تر شدن نقش والدین، پیش‌بینی مخالفت آن‌ها باشد و البته مهم‌تر از آن، تغییرات گسترده در جامعه امروز ماست. جوان امروز، کودکی و نوجوانی خود را احتمالاً در خانواده‌ای هسته‌ای گذرانده است. رابطه‌ی درون خانواده و بین زوجین، امری خصوصی تلقی می‌شود و استقلال آزادی و فردی‌اهمیتی بیش از پیش دارد. او حسابگرتر از جوان دیروز است و در دوران اقتصادی به سر می‌برد که نمی‌تواند نقش مرد نان آور/ کدبانوی خانه را بپذیرد. ازدواج به رسم پیشین با هر معادله‌ای فعلاً برای او نمی‌صرفد و البته به معنای آن نیست که هرگز ازدواج نخواهد کرد. بعلاوه، همانطور که ذکر شد به تدریج ازدواج، از وصلت دو خانواده به وصلت دو فرد، بدل می‌شود و ذائقه و میل فردی هسته‌ی مرکزی آن می‌شود. در این میان، آن‌چه اهمیت می‌یابد "عشق" است. در دهه‌های پیشین، مبنای ازدواج مسایل اقتصادی و اجتماعی بود، نه خواست و میل و اشتیاق و عشق دو نفر برای هم. در این رابطه، نفس رابطه اهمیت دارد. برای بسیاری از جوانان امروز عشق به مفهوم امری خصوصی و منحصر به فرد است.

به هر روی، الگوی ارتباطی یک شبه تغییر نکرده است. ازدواج سفید محصول تغییرات جامعه و خانواده در دهه‌های گذشته است. به نوعی نحوه‌ی تربیت نسل جوان امروز ماست. جامعه در حال تغییر و به تعبیری در حال گذار، دچار مسائلی خواسته و ناخواسته خواهد شد که سهم موارد ناخواسته نسبت به وقایع درخواستی بسیار ناچیز است. به عبارتی، ما بیشتر در معرض مسایل قرار می‌گیریم. از این رو، جبهه‌گیری و محکوم کردن چنین مسایلی ناممکن، غیرعقلانی و حتی مهلک است.

به هر روی جامعه‌ی ما رو به تغییر است، هر تغییری می‌تواند حسی از نوستالژی ما را برانگیزاند و میلی به بازآفرینی گذشته در اکنون داشته باشیم، تغییر یک ضرورت تاریخی است و راه‌گزینی از آن نیست. تغییر همیشه با چالش، مشکلات و هزینه‌هایی همراه است. اما، سخت‌ترین و فزاینده‌ترین مشکلات را جوامعی به دوش می‌کشند که دنباله رو گذشته یا جوامع دیگر باشند. در جهان متغیر پرشتابی که در آن زندگی می‌کنیم، هیچ چیز قطعی وجود ندارد، قابلیت‌های جدید پیوسته جایگزین قطعیت‌های گذشته می‌شود، چنین فضایی، سپهر معنایی فراخی را در پیش رو می‌گستراند، بهره‌مندی از این خوان به قدر همت و تلاش ما در آگاهی، فهم و نقد

بی طرفانه‌ی خود، دیگری و جهان است. ما نیاز داریم تا برای خواست نوگرایی جوانان در جوامع سنتی جایی باز نماییم. جوان نیاز دارد تا تصویر انعکاس یافته خود را در آینه‌ای شفاف ببیند، تا بتواند هویت خود را تعریف کند. تعصبات و پیش داوری‌ها و درخواست والدین، چون زنگاری بر آینه، تصویر را کدر و تفکر در مورد خود را مختل می‌کند. جوان نیاز به فکر کردن دارد. نیاز به تعریف ارزش‌ها و هویت خود دارد. نیاز دارد تا بتواند احساساتش را مدیریت و بیان کند. نیاز دارد تا خودش را کشف کند. او به زمان و تعامل نیاز دارد. ما نیاز داریم تا با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینیم. در بستر گفت‌وگو، نیازها، خواست‌ها، نگرانی‌ها و اشتیاق‌های یکدیگر را بشنویم. گفت‌وگو سخت‌ترین کار جهان است. آن را تمرین کنیم.

نشست تخصصی

بخش چهارم: در نشست روز جهانی خانواده به غیر از سخنرانان محترم، عده‌ای از نمایندگان نهادهای سازمان‌ها از فعالیت‌های انجام‌شده‌ی خود در سال گذشته، گفت‌وگو کردند.

از این عزیزان خواسته شد سخنان خود را به‌طور کامل‌تر برایمان بفرستند تا در این پیوست از آن استفاده شود.

تاکنون از طرف این سازمان‌ها مطالب زیر به دستمان رسیده است:

موسسه طبیعت پاک (آوند) - خانم گهرناز پشوتنی

برنامه‌های موسسه طبیعت پاک در خصوص ارتقاء سطح آگاهی خانواده‌ها

هدف ما این است که پدر و مادر به جایگاهی برسند که خود مشاوران، مشکلات خانوادگی خود باشند.

ما اعتقاد داریم کودک مشکلی ندارد، بلکه این پدر و مادر هستند که نمی‌دانند با کودکان چه برخوردی را انجام دهند، در نتیجه پرورش را برای کودکان و آموزش را برای والدین در این موسسه برنامه‌ریزی کرده‌ایم.

خانواده و پدر و مادر، کودک او پذیرفته می‌شود که برای رشد و ارتقاء خود بتواند هفته‌ای دو ساعت وقت آموزشی بگذارد.

هر ماه یک سمینار رایگان و عمومی برای همه‌ی والدین در جهت رشد خود و فرزندانشان برگزار می‌شود.

هر ماه یک کتاب و یک فیلم آموزشی به خانواده معرفی می‌گردد و در صورت لزوم نقد و بررسی آن صورت می‌گیرد.

تشکیل اولین مرکز تخصصی زیست محیطی کودکان زیر سه سال برای بالابردن سطح آگاهی پدر و مادری که کاملاً در

این حیطة کم‌تجربه هستند و نیز ایجاد فضایی برای مادر که بتواند با خیال راحت و در کنار فرزندش به علایق شخصی خود (ورزش، آموزش و...) بپردازد.

جلسه‌ی ویژه‌ی ماهیانه برای پدرها

جلسه‌ی ویژه‌ی ماهیانه برای مادرها و پدربزرگ‌ها گردشگری‌های خانوادگی که خود خانواده‌ها برنامه‌ریز آن هستند و به‌طور ماهیانه هر مادر مسئول یک بخش از نظارت بر کیفیت کار موسسه است (مسئول بهداشت، مسئول کیفیت غذا، مسئول تبلیغات، مسئول رفتار با کودک و ارتباط با مربی و ...)

طی یک برنامه و ویژه‌نامه، شغل‌های پدر و مادرها به هم معرفی می‌شود. این حیطة کمک می‌کند تا خانواده‌ها بهتر و عمیق‌تر بهم وصل شده تا برحسب نیاز به هم کمک کنند.

روال ترویج زبان اصلی پدری و مادری و ایجاد روز فرهنگی که توسط خانواده‌ها برنامه‌ریزی می‌شود، (روز یزد، روز کرمانشاه، روز تبریز و ...) خانواده‌های هر شهر، با هم برنامه‌ریزی کرده و نمادهای شهر خود را برای دیدن سایر خانواده‌ها و بچه‌ها به اجرا می‌گذارند.

پدر موظف است هفته‌ای ۲ بار به فرزند خود در موسسه زنگ زده و با او حال‌واحوال نماید.

از طریق دنیای مجازی، تلگرام، سایت، اینستاگرام و به خانواده‌ها طی یک برنامه آموزش داده می‌شود، هر آدینه یک سوال مطرح می‌شود. هر شنبه یک پیام درخصوص عزت نفس گذاشته می‌شود، هر یکشنبه و..

ایجاد نمایشگاه‌های سنتی فراموش‌شده. هر خانواده مسئول است یک بخشی از فرآیندهای که در حال فراموشی است را در این نمایشگاه به اجرا بگذارد. (قندشکافی، واکس‌زدن، قالی‌بافی، بافتنی، کتاب‌خوانی و...)

گروه مطالعاتی خانواده که برای کتاب‌های مختلف کار می‌کند، هم‌اکنون بر روی کتاب الگوی کودک سالم کار می‌شود.

هر زمان که مادر احساس عدم شفاعت کرد، می‌تواند در فضای کودکان قرار گرفته به مربی کمک کند و به بسیاری از سوال‌های خود به‌طور دیداری پاسخ دهد.

در تلاش هستیم در آینده با گفتگوی عمیق‌تر با هر خانواده، مشکلات فردی و خانوادگی آن‌ها، پیدا طبق آن مشکل برای آن‌ها کارگاه و کلاسی برنامه‌ریزی شود.

به امید این که خانواده‌های ایرانی به آن‌چه که شایسته‌اند، برسند.

ما تنها خدمت‌گزاران آن‌ها هستیم.

بادبادک و خانواده - خانم زهرا فرمانی

بادبادک دارای سه مرکز آموزشی است.

دو آموزشگاه هنر کودک که به دلیل حضور تمام وقت کودکان به آن هنرکده‌ی کودک نام گذاشته‌ایم و یک دبستان پسرانه که آموزش رسمی را به شیوه‌ی بادبادک انجام می‌دهد.

می‌توان گفت اولین هنرکده‌ی کودک را بنیان گذاشته‌ایم). در مجموعه‌ی بادبادک آموزش و ارتباط با خانواده اصل مهمی است.

سال‌ها پیش وقتی به موضوع خانواده می‌اندیشیدیم به این رسیدیم که باید قبل از بچه‌دار شدن آموزش خانواده را شروع کرد حتی قبل از آن ازدواج. حتی پیشتر، قبل از آن در جوانی و نوجوانی تا رسیدیم به کودکی. این‌که کودکی که در بستر سلامت و آرامش روانی و تربیتی رشد می‌کند، می‌تواند بعدها خانواده‌ی سالمی را تشکیل دهد. به این ترتیب در کنار آموزش کودکان برای خانواده‌ی آینده، به آموزش والدین برای خانواده‌ی کنونی پرداختیم. به عبارتی با آموزش کودکان، خانواده را آموزش می‌دهیم.

گام اول: کودکان از ماه‌های اول تولد تا سه سالگی همراه با مادر یا پدر یا هر دو در کلاس‌های هنرکده حضور پیدا می‌کنند و هنر را بهانه‌ای برای آموزش خانواده و کودک کردیم. از این طریق به مادر شیوه‌های کار با کودک را آموزش می‌دهیم و برای کودک فرصت حضور در اجتماع را فراهم می‌کنیم. عنوان این دوره‌ها را مادر کودک یا خانواده و کودک گذاشتیم. (شاید بتوان گفت بنیان‌گذار این دوره‌ها در ایران بودیم). **گام دوم:** کودکانی که به سن سه سالگی می‌رسند، یعنی آغاز حضور مستقل در مرکز آموزشی، می‌توانند تمام روز را با ما باشند و با انواع ابزار هنری برای رسیدن به رشد همه‌جانبه فعالیت کنند. آموزش خانواده در این دوره شکل دیگری پیدا می‌کند. حضور والدین در کلاس و مشاهده‌ی شیوه‌های رفتار با کودک و آموزش کودک، دادن گزارش روزانه‌ی منظم از فعالیت‌های کلاس و توضیح چگونگی و چرایی آن‌ها، جلسه‌های مشاوره به انواع مختلف و به بهانه‌های مختلف، مهمانی‌ها و جشن‌ها و سفرها و جلسه‌های مختلف برای ارتباط خانواده‌ها، برگزاری دوره‌ها و دعوت از استادان مختلف در حوزه‌های متنوع (بیش از همه مدرسان مؤسسه‌ی مادران امروز و مؤسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا) و...

گام سوم: کودکانی که وارد مدرسه می‌شوند. دبستان بادبادک (پسرانه)

خانواده‌هایی که با روش بادبادک زندگی می‌کنند، درخواست ادامه این ارتباط را داشتند. در مدرسه نیز روش‌های ارتباطی و آموزش خانواده مانند هنرکده ادامه پیدا می‌کند و راه‌های متعددی را برای ارتباط با خانواده و آموزش آن‌ها انجام می‌دهیم. انجمن فعال مدرسه نیز ادامه‌ی این راه است. بادبادک مفتخر است که همیشه پذیرای کودکان با نیازهای ویژه بوده است. از این طریق هم فرصت زندگی طبیعی را به کودکان داده است که حق آن‌ها است و هم آرامش و آموزش به خانواده و عملاً کمک جدی در پیشرفت کودکان را سبب شده است. کارگاه ساخت کتاب‌های حسی - لمسی با تاکید بر کودکان نابینا و برگزاری کارگاه‌های هنر و ادبیات ویژه خانواده و کودک نابینا نیز از این‌دست فعالیت‌ها بوده است.

نکته‌ی عمومی دیگر ارتباط با مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها بوده است.

همچنین درگیر کردن خانواده‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در سمینارها و کارگاه‌ها و... بادبادک همیشه درگیر فعالیت‌های اجتماعی به نفع کودکان و خانواده داوطلب بوده است. از طرف دیگر درهای بادبادک برای دادن مشاوره، آموزش، معرفی و توضیح شیوه‌ی کار خود در جامعه بوده است. دانشجویان، مربیان، مدیران، استادان و پژوهشگران بسیاری در این سال‌ها در بازدید یا گذراندن دوره در مجموعه‌ی بادبادک با شیوه‌ی کار ما آشنا شده‌اند. ما نیز از تجربه‌های موسسه‌ها و مرکزهای بسیاری در ایران و کشورهای دیگر همیشه سود جستیم. به این طریق در تعامل دایمی آموخته‌ها و تجربه‌هایمان را مبادله کرده‌ایم.

مؤسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا - خانم مرضیه غفاری‌زاد

گروه خانواده‌ی مؤسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا، جهت گسترش آموزش خانواده، علاوه بر طرح سیزده آبان در "سال ۷۷" در منطقه‌ی شرق، غرب، منطقه‌ی هرندی، خانه‌ی کتابدار، منطقه‌ی اورین "جاده ساوه" و کتابخانه‌ی طالقانی جلسه‌ها و کلاس‌هایی در جهت ارتقاء سطح دانش و توانمندی خانواده‌ها برگزار می‌کند.

در این راستا، نزدیک به دو سال است که تحت عنوان "جنبش پدرخوب" جلسه‌ها و دوره‌هایی را جهت آگاهی و نقش‌پدران در خانواده، برگزار می‌کند.

لازم به یادآوری است که براساس ضرورت آموزش تخصصی "حوزه‌ی خانواده و نوجوان" مؤسسه‌ی مادران امروز، همواره در کنارمان بوده و هست.

خانه کتابدار - خانم ناهید جباری

به استحضار می‌رساند خانه کتابدار کودک و نوجوان و ترویج خواندن زیر نظر شورای مدیریت و کمیته کتابداری و همکاری بخش دبیرخانه و با همکاری نیروی داوطلب از گروه ترویج خواندن شورای کتاب کودک و دیگر اعضای علاقه‌مند شورایی و نهادهای مدنی برخاسته از شورا مشغول فعالیت می‌باشد. کلیه‌ی فعالیت‌ها پس از بحث و بررسی توسط کارشناسان به تصویب رسیده است و سپس برای ۳۰۰۵ عضو کتابخانه کودک و نوجوان و خانواده اجرا شده است.

- برگزاری ۱ دوره کارگاه آشنایی با کتابداری و ترویج خواندن (دوره‌ی شانزدهم)

- ارائه خدمات عمومی کتابخانه‌ی کودک و نوجوان و

موسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان با درک اهمیت کتاب‌خوانی و بلندخوانی در آموزش خواندن و نوشتن نزدیک به پنج سال است که برنامه‌ی **با من بخوان** را اجرا می‌کند. **با من بخوان** برنامه‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی در میان کودکان خانواده‌های کم‌درآمد، کودکان محروم و کودکان در بحران است. این برنامه بر پایه‌ی رساندن کتاب‌های مناسب و باکیفیت به دست این گروه از کودکان و نوجوانان است که در وضعیت معمول زندگی به کتاب‌های باکیفیت دسترسی ندارند. موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان پس از سال‌ها پژوهش در حوزه‌ی تاریخ و فرهنگ کودکی و جایگاه کتاب کودک در جامعه، بر این باور است که ترویج ادبیات در میان کودکان و نوجوانان، به‌ویژه کتاب‌خوانی می‌تواند استعدادها و توانمندی‌های ذهنی نسل‌های آینده را شکوفا و زندگی آن‌ها را دگرگون و بارور کند. از این رو این موسسه برای تحقق این شعار که «همه‌ی کودکان حق دارند کتاب‌های باکیفیت بخوانند» از مردادماه ۱۳۹۰ برنامه **با من بخوان** را پیشنهاد و در نقاط مختلف ایران اجرا کرده است.



محورهای اصلی برنامه‌ی با من بخوان

رساندن کتاب‌های باکیفیت به همه کودکان به ویژه کودکان خانواده‌های کم‌درآمد، کودکان محروم و کودکان در بحران
 ۱- کاربرد بلندخوانی به عنوان یکی از موثرترین راه‌های ترویج خواندن

۲- تقویت سواد پایه و آموزش خلاق از راه ادبیات کودکان، بخش مهمی از برنامه با من بخوان را در راستای یادگیری کیفی و لذت‌بخش تشکیل می‌دهد. کتاب‌های **آواورزی و الفباورزی، فارسی‌آموزهای نخودی، ریاضی‌آموز لولویی و واژه‌نامه چیستانی** که از سوی نشر چیستا منتشر شده‌اند، در راستای آمادگی کودکان به سواد پایه در محور این برنامه جای دارند. کودکان با آموزش این بسته‌ها می‌توانند با لذت و سرگرمی، درست شنیدن و درست

- تخصصی و خانواده (۲۷۸ کارگاه)
- برگزاری جشن‌ها و مناسبت‌ها (۷ مورد)
- اجرای طرح سبد خواندن با خانواده و سبد خواندن در مدرسه‌ی شاهد فیروزکوهی
- تجهیز کتابخانه‌های محروم و کوچک با عنوان "طرح بامداد کتابخانه‌ها"
- برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در مدرسه‌ها، موزه‌ها، پارک‌ها و مکان‌های مختلف (۱۵ مورد)
- شرکت در همایش‌ها، جلسه‌ها و نمایشگاه‌ها (۳۷ مورد)
- برگزاری نمایشگاه مادران خانه با هدف "توانمندسازی بانوان"
- اجرای طرح نجوای شادمانی (بردن کتاب و اسباب‌بازی و شادی) به مراکز کودکان و سالمندان
- بازدید اشخاص، مدرسه‌ها و نهادها از خانه کتابدار (۱۷ مورد گروهی و ۲۴ مورد فردی)
- گسترش بخش اسباب‌بازی خانه
- گسترش و تجهیز بخش دیداری- شنیداری
- اهدای کتاب به خانه کتابدار توسط ناشران و اشخاص و خانه‌ی سینما (۱۲۰۰ جلد کتاب و سایر مواد خواندنی شامل مجله، جزوه، کاتالوگ، وسیله‌ی بازی و لوح فشرده)
- اهدای ۱۲۱ جلد کتاب به کتابخانه‌ی مدرسه‌ی حضرت زینب (س)
- خرید ۲۳۹ جلد کتاب از نمایشگاه برای کتابخانه‌ها و سبد خواندن
- اهدای جایزه به ۴ نفر از برندگان قصه‌نویسی شازده کوچولو
- میزبان جلسه‌ها و کارگاه‌های گروه ترویج
- تداوم سبد «بینید و ببرید» برای منابعی که اعضا می‌توانند به صورت هدیه با خود ببرند.
- آرشبو بریده جراید
- تهیه‌ی بسته‌ای به عنوان هدیه‌ی نوروزی به ساکنین نزدیک خانه کتابدار و دعوت آن‌ها به این مراکز
- ارتباط‌گیری با منطقه‌ی ۱۱ آموزش و پرورش و ارسال عکس و پوستر و تراکت از فعالیت‌های خانه جهت اطلاع‌رسانی در مدرسه‌های منطقه
- حدود ۵۰۰۰ ساعت کار داوطلبانه و ۲ نیروی موظف تمام‌وقت و ۵ نیروی موظف پاره‌وقت
- تعداد ۲۰۷۲۴ جلد امانت داده شده است.
- تعداد کل منابع ۱۸۲۸۲ می‌باشد.
- تعداد کل اعضای کتابخانه کودک و نوجوان ۲۱۹۸ نفر، جوانان ۳۷ نفر، تعداد کل اعضای تخصصی خانواده ۷۶۶ نفر می‌باشد.

موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودک و نوجوان - خانم زهره قایینی
 معرفی برنامه‌ی با من بخوان



دریافت جایزه‌ی بین‌المللی ترویج کتاب‌خوانی ایبی-آساهی ۲۰۱۶

تجهیز کتابخانه‌ها و برپایی کتابخانه‌های کوچک کلاسی و کتابخانه‌های کودک‌محور برای تثبیت تاثیرات طرح بر کودکان دستاوردها و تاثیرات برنامه بر کودکان بر اساس دفترهای مشاهداتی، فیلم و عکس، مصاحبه و بازدیدهای منظم و دوره‌ای به طور پیوسته مستندسازی و پایش می‌شود:

رشد زبانی: گسترش دایره واژگان، افزایش مهارت‌های گفتاری، مشارکت کودکان در گفت‌وگوها برای بیان اندیشه‌های‌شان، گزارش‌های متعدد از بهبود یا حتی برطرف شدن لکنت در کودکان

رشد شناختی اجتماعی و شخصیتی: افزایش اعتمادبه‌نفس، رشد فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، احترام به دیگران، بالارفتن قدرت تخیل، افزایش توانایی شناخت و بیان احساسات، توانایی کنترل خشم و افزایش بردباری و درک اهمیت صلح و دوستی

رشد مهارت‌های حرکتی و جسمی
برگزاری کارگاه‌های محیط‌زیست برای مربیان و آموزگاران و حساس شدن بیش از پیش کودکان نسبت به محیط‌زیست و آشنایی با زیست‌بوم‌ها و گونه‌های جانوری، مفهوم بازیافت و مصرف بهینه آب و انرژی

کمک به کودکان در بحران به دو روش:
برپایی کارگاه‌های کمک‌های اولیه به کودکان در بحران برای آموزگاران، مربیان، داوطلبان و مسئولین نهادها و سازمان‌ها
حضور در منطقه بحران‌زده، مانند نمونه هریس در نخستین روزهای پس از زلزله آذربایجان

سخن گفتن را که پایه و اساس خواندن و نوشتن است، فرا بگیرند و با داستان، شعر، تصویرخوانی و بازی برای دوره‌ی خواندن و نوشتن و یادگیری ریاضی آماده شوند.

۳- همراه کردن فعالیت‌های خلاق ادبی و هنری با کتاب‌خوانی برای تاثیر عمیق‌تر کتاب

۴- ترویج مهارت‌ها و ارزش‌های زندگی و ارزش‌های زیست محیطی از راه کتاب‌خوانی

۵- راه‌اندازی کتابخانه‌های کوچک محلی، روستایی و آموزشی با کتاب‌های باکیفیت

۶- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مربیان، آموزگاران و علاقه‌مندان در زمینه دانش پایه ادبیات کودکان و مهارت‌های بلندخوانی و فعالیت‌های هنری

۷- تهیه‌ی گزارش‌های مستند از فعالیت‌ها و نشست‌های کتاب‌خوانی و ارزیابی پیوسته طرح



دستاوردهای با من بخوان

همکاری با گستره‌ی وسیعی از سازمان‌ها و نهادها، مدارس و مهدکودک‌ها، انجمن‌های حمایت از کودکان کار و خیابان، انجمن حقوق کودک، بنیاد کودک، بیمارستان‌ها، کودکان مبتلا به اوتیسم و یک کارخانه

تحت پوشش قراردادادن ۲۴۰۰۰ کودک و ۱۰۰۰ تعداد مربی در ۱۳ استان ایران (برای آشنایی با مراکز تحت پوشش برنامه به این لینک مراجعه کنید:
<http://khanak.org/fa/rwm-centers>)

همکاری مستقیم با آموزش و پرورش استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و لرستان (کوه‌دشت) که در پیشبرد آسان‌تر و موفق‌تر برنامه بسیار مؤثر بوده است. آموزش و پرورش استان کرمان نیز برای پیوستن به این طرح ابراز تمایل کرده است.

انتشار ۲۳ جلد کتاب ویژه برنامه، ۴۰ دستنامه راهنما و ۳۰ پکیج فعالیت

دستیابی به اهداف جنبی مانند توجه به بهداشت عمومی و کاهش تبعیض‌های جنسی و قومی

کانون همیاران خانه‌ی سبز - سرای محله‌ی جهاد - خانم حمیده حدادی

کانون همیاران خانه‌ی سبز، یک گروه زیست‌محیطی است که از حدود سه سال قبل در سرای محله‌ی جهاد واقع در خیابان فتحی شقاقی با اعضای اندکی از مردم محل که علاقه‌مند به محیط‌زیست بودند، تشکیل شده است.

سال گذشته به دلیل تغییر مدیریت‌های مکرر سرا (۳ مدیر) فعالیت‌های این گروه نیز دستخوش ناملایماتی شد ولی گروه سعی کرد خود را حفظ نماید. جلسه‌های آموزشی خود را هرچند محدودتر از سال‌های گذشته در سرا داشت و دستاورد بزرگ گروه در سال گذشته، فعال کردن اعضای جوان گروه به‌ویژه در رابطه با فعالیت‌های اجرایی سرا و ایجاد هماهنگی‌های گروه با سرا بود. به‌طوری‌که هم‌اکنون یکی از این اعضا در بخش روابط عمومی سرا، یک نفر در بخش پژوهشگر محل و دیگری به‌عنوان رابط گروه و نماینده‌ی آن با سرا همکاری می‌کند.

یک نفر از اعضای گروه هم به تشویق گروه و با هدف ایجاد تعامل بیشتر در محل کاندید و سپس عضو شوراباری محل شد.

این گروه از همکاری‌های مستمر گروه محیط‌زیست موسسه‌ی مادران امروز به‌ویژه خانم فرزانه منفرد برخوردار است و در برنامه‌های اجرایی و از تجربیات این گروه بهره می‌برد. دو کار مهم ۱- حفظ گروه ۲- فعال کردن جوانان گروه

موسسه سرطان پستان تهران - خانم دکتر آزاده

جولایی

بیمار مبتلا به سرطان و خانواده

موسسه سرطان پستان با شعار " همه با هم در کنترل سرطان پستان" در سال ... تاسیس شد و هدف خود را ارتقاء تشخیص و درمان سرطان پستان تا استانداردهای جهانی به همراه حمایت از بیمار و خانواده‌اش قرار داد.

اگر به مفهوم کانون گرم خانواده عمیق فکر کنیم مولفه‌ی امنیت عاطفی و آرامش ذهنیمان را در مادر و زن خانواده درمی‌یابیم. اعضای خانواده به گرد مادر خانواده جمع می‌شوند تا خستگی‌ها و اضطراب‌های حاصل از حضور و فعالیت در بیرون خانه را التیام بخشند، ذهن و جان خود را بازسازی کنند و برای فردا آماده شوند.

حال اگر این مولفه مهم خانواده درگیر بیماری سرطان شود، واقعاً چه اتفاقی می‌افتد؟

ناگهان وزش طوفانی در کانون خانواده حس خواهد شد. تصاویر هول‌انگیز در ذهن هر یک شکل می‌گیرد. تزلزل مادر و نگرانی برای تمامی کسانی که از جان و دل مراقبشان است، کابوس پدر که نمی‌داند بدون همسر چگونه خانواده را حفظ کند و فرزندانی که امنیتشان در وجود مادری همیشه استوار معنی می‌شود. همه‌ی این ذهنیات آشوبی در خانواده ایجاد می‌کند.

موسسه سرطان پستان تهران به این امر واقف بود که بیمار و خانواده‌اش فراتر از خدمات پزشکی به نجات این ذهن‌های طوفان‌زده نیاز دارد. باور این‌که خانواده استوار می‌ماند، مادر مسیر درمان را پر قدرت طی می‌کند و نشان خواهد داد که سختی مهار می‌شود و به ساحل آرامش می‌رسند و از غلبه بر این طوفان سهمگین برای استحکام بیشتر خانواده، نه متلاشی‌شدن، استفاده خواهند کرد.

موسسه سرطان پستان با ایجاد طرح‌های حامی، همزاد و همراه به خانواده کمک کرد که سریع‌تر جایگاه خود را در مسیر این بیماری پیدا کند. طرح حامی با همراهی کردن زنان مبتلا در بخش آنکولوژی بیمارستان مهدیه، به آنان می‌گوید به سلامت خود باور داشته باش. تعریف خوف‌انگیز "بیمار سرطانی" را از خود دور کن. مسیر سخت است ولی غیرقابل‌پیمودن نیست. امید و شادی را جایگزین ترس و اضطراب کن و به خانواده‌ات اطمینان بده که همچنان پابرجایی.

این موسسه با طرح همزاد قصد دارد متناسب با شرایط هر فرد و بیماری‌اش، بهبودیافته مشابه‌ای را همراه او و خانواده‌اش کند تا همه‌ی دغدغه‌هایش آن را با او درمیان بگذارد و خود را مدیریت کنند.

طرح همراه نیز عبارت است از حمایت از بیمار و افراد خانواده به محض تشخیص بیماری در مطب برای تفهیم بهتر مراحل درمانی و آمادگی پذیرش آن.

طرح حامی در طی سال ۹۴ بیش از ۱۵۰ بیمار را در بیش از ۱۰۰ جلسه شیمی‌درمانی حمایت کرد و علاوه بر همراهی‌های روحی و امیدبخشی که به اذعان پزشکان محترم آنکولوژی و پرستاران زحمت‌کش بخش بسیار موثر بوده است، بیش از ۱۰۰۰ بسته تغذیه‌ی رایگان، بین آن‌ها توزیع کرده است.

هم‌اکنون بیش از ۱۷۰ بیمار در ارتباط یک گروه تلگرامی قرار دارند و شادمانه از این طرح در بهبود وضع روحی و روانی خود ابراز رضایت و حمایت می‌کنند و با علاقه داوطلب هستند که همین نقش را برای بیماران جدید ایفا کنند. به‌طوری‌که برآورد می‌کنیم بتوان فعالیت این گروه را بیش از بخش آنکولوژی بیمارستان مهدیه گسترش داد.

عدالت اجتماعی است که در حال حاضر در اشکال کودکان کار، کودکان بازمانده از تحصیل و ... در جامعه‌ی ما وجود دارند و از بسیاری از حقوق اساسی خود از جمله حق آموزش، بهداشت، سلامت و حتی کودکی بی‌بهره‌اند.

موسسه همیار خانواده کارا - خانم فاطمه سلطانی

نیاز خانواده‌ها ما را بر آن داشت که نگاه متفاوتی به مربی - پرستار (افرادی که مراقب و نگهدار کودک در خانه هستند) را داشته باشیم.

پس از تحقیق و بررسی و تجربه تربیت مربی، موسسه را با اهداف و فعالیت‌هایی شروع به کار کردیم.

شرح فعالیت موسسه به قرار زیر:

- دعوت به همکاری مربیان
- مصاحبه‌ی دقیق و سابقه‌ی کار، توانمندی مربی، عشق به کار کودک در انتخاب مربی مهم است.

- مشاوره به خانواده برای انتخاب مربی - پرستار مناسب کودک

- معرفی مربی به خانواده با حضور کارشناسان

- آموزش مربیان بر طبق استانداردهای فنی، حرفه‌ای

- نظارت مربی در زمان کار با کودک توسط کارشناسان

- مشاوره به خانواده برای آموزش و رفتار با کودک

هدف موسسه:

۱- محیطی امن برای کودک

۲- آرامش در خانواده

۳- هویت شغلی مربی - پرستار

موسسه توانمندسازی مهروماه - خانم افخم صباغ

موسسه‌ی توانمندسازی مهروماه شمیرانات موسسه‌ای غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است که از سال ۱۳۹۱ در منطقه‌ی دره فرحزاد شروع به کار کرده است.

مأموریت موسسه مهروماه شمیرانات تلاش در جهت بهبود وضعیت زندگی زنان و کودکان و در گامی فراتر پاسخ‌گویی به رفع برخی از آسیب‌های اجتماعی و بهبود شرایط زندگی ساکنین محل می‌باشد.

این موسسه در جهت برگزاری دوره‌های آموزشی زیر تلاش می‌کند:

۱- آموزش رسمی:

کلاس‌های سوادآموزی برای زنان و دختران بازمانده از تحصیل

کلاس‌های پیش‌دبستانی برای کودکان ۵ تا ۷ سال

کلاس‌های درسی برای کودکان بازمانده از تحصیل

دوره‌های آموزش کامپیوتر، زبان برای دختران و کودکان

دوره‌های کمک درسی برای کودکان

کلاس‌های کمک‌درسی برای دختران ترک‌تحصیل کرده برای ادامه‌ی تحصیل غیرحضور

انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا در سال ۱۳۵۶ با کوشش گروهی از معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش شکل گرفت.

مهم‌ترین اهداف انجمن به شرح زیر است:

- کمک به بهبود کیفیت آموزش و پرورش با انجام

پژوهش‌های کاربردی در ارتباط با مسایل و مشکلات

آموزش و پرورش

- کمک به ارتقای سطح آگاهی مربیان، معلمان و مدیران

مراکز آموزش و پرورش در مقاطع مختلف تحصیلی

- کمک به توانمندسازی کودکان و والدین و دستیابی به

آموزش با کیفیت

برای رسیدن به این اهداف، انجمن ساختارهایی از جمله

گروه‌های زیر را برنامه‌ریزی کرده است:

- گروه پیش از دبستان

- گروه دبستان

- گروه حمایت از کودکان در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی

- گروه انتشارات

- گروه پژوهش

- گروه آموزش

با توجه به اهداف انجمن، برنامه‌ریزی با مشارکت کارگروه‌های انجمن اجرا می‌شود:

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌های موردنیاز

- برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه‌های موردنیاز

- انجام پژوهش‌های کاربردی در زمینه‌های موردنیاز

در حوزه‌ی ارتباطی، انجمن عضویت شورای گسترش فرهنگ صلح و شبکه‌ی یاری کودکان کار را داراست و با سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط، ارتباط فعال دارد.

درمورد آموزش خانواده که موضوع مورد بحث امروز است، انجمن ارتباط و فعالیت مستقیم با والدین ندارد بلکه از طریق

مدیران، مربیان، معلمان و آموزش آن‌ها به آموزش و والدین و کودکان و کمک به کاهش مشکلات و مسایل آن‌ها می‌پردازد.

به‌عنوان مثال موضوع بسیاری از نشست‌های تخصصی و

کارگاه‌های آموزشی انجمن که هر سال برگزار می‌شود شامل مهارت‌های فرزندپروری مطلوب، مشکلات آموزشی و رفتاری

کودکان، برنامه‌های کمک به رشد و تحول کودکان و ... می‌باشد که برای مربیان، معلمان و مدیران مراکز آموزشی اجرا

می‌شود اما مخاطبان اصلی آن‌ها کودکان، نوجوانان و والدین می‌باشند.

به‌این ترتیب کودکانی که به مراکز مختلف آموزشی می‌روند و

نیز والدین آن‌ها از طریق مربیان، معلمان و مدیران از این آموزش‌ها بهره‌مند می‌شوند.

اما کودکانی که به دلایل مختلف و عمدتاً فقر، از رفتن به

مدرسه محروم هستند و همین‌طور والدین آن‌ها از دسترسی به این آموزش‌ها بی‌بهره‌اند و این برخلاف اصل عدالت آموزش و

کلاس‌های پرورش خلاقیت کودکان شامل:

نقاشی

تئاتر

قصه‌خوانی

کودکان پیش‌دبستانی در طول سال در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی همچون فرزندپروری شرکت کردند تا آن‌چه کودکان در کلاس می‌آموزند، با همیاری و مشارکت خانواده به شکل موثرتری نهادینه شود. نکته‌ی مهم در این امر استفاده از مربیان محلی و آموزش مربیان در موسساتی چون موسسه پژوهشی کودکان دنیا و موسسه مادران امروز و موسسه سیمین بوده است.

در سال گذشته، برای کودکان در سن تحصیل نیز که به دلایل اقتصادی امکان ادامه تحصیل را نداشتند، طرح "حمایت تحصیلی" آغاز به کار کرد. این طرح شامل ۶۱ نفر از کودکان بی‌بضاعت (از جمله کودکان کار) است که هزینه‌ی تحصیلی‌شان به واسطه‌ی واریز کمک هزینه تحصیلی از سوی حامی تأمین شده است. مددکار اجتماعی این پروژه به طور دوره‌ای به مدارس آن‌ها مراجعه کرده و از نزدیک شرایط تحصیلی آن‌ها مطلع می‌شود. ضمناً شرایط فردی، خانوادگی، اجتماعی، این کودکان توسط گروه مددکاری بررسی و در هر یک از حوزه‌های موردنیاز کودک اعم از اقتصادی، بهداشت و درمان و تحصیلی اقدامات لازم انجام می‌شود. چکیده قابل بیان (بر اساس اصل رازداری) از شرایط کودک و خدمات ارائه شده به وی، به طور دوره‌ای برای حامی هر یک از آن‌ها ارسال می‌شود. کودکان حاضر در این طرح و خانواده آن‌ها از آموزش‌های گروهی از جمله کارگاه‌های مهارت‌های زندگی بهره‌مند شدند.

گروهی از کودکان به دلیل موانعی قانونی مانند نداشتن اوراق هویت خانواده و یا کبر سنی و... امکان ثبت‌نام در مدرسه را نداشتند. به همین دلیل در قالب طرح "کودکان بازمانده از تحصیل" تمام دروس آموزشی به آن‌ها در موسسه آموزش داده شد و همچنین در زمستان شیفت عصر یکی از مدارس منطقه برای آموزش این کودکان - که ۵۰ درصد آن‌ها کودک کار هستند - اختصاص داده شد. علاوه بر آن این کودکان در طول هفته از آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی برخوردار بودند.

در مجموع تمرکز خدمات موسسه مهروماه در سالی که گذشت بر آموزش هدفمند بوده است.



۲- آموزش غیررسمی:

برگزاری دوره‌های مهارت‌های زندگی و فرزندپروری
برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای زنان مددجو
تقویت مهارت‌های ارتباطی و اعتمادبه‌نفس در فرد و ایجاد روحیه‌ی کار جمعی
کاهش آسیب‌های جسمی و روانی به کمک رشد مهارت‌های اجتماعی
آموزش خانواده (رفتار با کودک و نوجوان و همسر و...)
آموزش بهداشت فردی، محیطی و اجتماعی هم به صورت کلاس‌های آموزشی و هم کارگاه‌های آموزشی و مشاوره فردی

۳- بخش توانمندسازی:

- برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی مشاغل خانگی مانند: بافتنی، خیاطی، سوزن‌دوزی و پته‌دوزی
- عرضه‌ی تولیدات زنان آموزش دیده در بازار و تلاش برای ایجاد تعاونی‌ها
- تأسیس کارگاه خیاطی جهت تعلیم و آشنایی با چرخ‌های دوخت صنعتی و آموزش نحوه‌ی تولید کارگاهی
- اشتغال دوره‌ای تعدادی از دختران و زنان در کارگاه خیاطی
- یافتن حامیان مالی برای دسترسی به ابزار کار و دریافت سفارش کار

۴- حوزه‌ی مددکاری:

- برگزاری مشاوره‌های فردی و گروهی برای زنان، دختران و کودکان
- انجام اقدام‌های لازم برای رفع نیازهای آموزشی، بهداشتی و غذایی
- انجام حمایت‌های خاص در راستای رفع نیازهای اولیه
- برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی
- تعامل با دیگر سازمان‌ها در جهت کمک‌رسانی
- تهیه و اجرای طرح‌های جامعه‌ای

فعالیت‌های دیگر موسسه:

فعالیت مستمر کتابخانه

برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مربیان مرکز لازم به ذکر است که طرح پیش‌دبستانی در سال گذشته به عنوان یکی از ۱۰ طرح برتر ملی در همایش "کاهش فقر، آموزش کودکان و موسسات غیردولتی تجارب آموخته‌شده" انتخاب شده است. هدف از اجرای این طرح برای کودکان شش‌ساله، آموزش براساس نیازهای سن گروه هدف به طور روزانه، آموزش مشارکت در فعالیت‌ها، آموزش در جهت توجه به محیط‌زیست و ترویج کتاب‌خوانی است. همه‌ی مادران



گزارش برنامه‌ی گفت‌وگوی دوستانه، گردش، بازی‌های خانوادگی در تاریخ ۹۵/۲/۲۴ - تهران

از مجموعه فعالیت‌هایی که به مناسبت روز جهانی خانواده داشتیم، گردشگری و حضور اعضای خانواده در طبیعت بود.

این برنامه با هدف بودن اعضای خانواده (در هر گروه سنی) در کنار هم و فراهم کردن فرصتی برای بازی و گفت‌وگو، تفریح و نهایتاً لذت مشترک، در پارک آب و آتش تهران و با حضور تعدادی از خانواده‌ها برگزار شد.

و حدود ۱۰۰ نفر از دوستان در کنار هم، روزی به یادماندنی و خاطره‌انگیزی گذراندیم.

این برنامه چند ویژگی خوب داشت.

حضور پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها چشمگیر بود.

حضور فعال اعضای موسسه‌ی سرطان پستان و آشنایی بیشتر مادران با بهبودیافته‌گان از سرطان پستان و آشنایی بیشتر با فعالیت‌های این موسسه بود.



گزارش گروه‌های راه دور شهرستان‌ها به مناسبت روز جهانی خانواده ۱۳۹۵

● پنج‌شنبه، ۹۵/۲/۲۳ گروه‌های راه دور استان مازندران شهرستان ساری : بهاران ۱، بهاران ۲، توانا، آرامش، پیله، نورسته، مهندسی زندگی، مهردانش و مادرانه، طی نشستی در موسسه مادران امروز، دیداری با خانم احمدی و خانم شاه‌کرمی داشتند.

هدف از این نشست که در آستانه‌ی گرامی داشت روز جهانی خانواده بود، تجلیل و سپاس و قدردانی از سرکار خانم مریم احمدی بود که برای اولین بار در ایران با تولید بسته‌های آموزشی با محتوای مناسب، اقدامات چشمگیری در جهت ارتقای آگاهی زنان جامعه در جهت استحکام خانواده انجام داده بودند.

در این نشست سرکار خانم شاه‌کرمی با صحبت درباره‌ی بزرگ‌ترین چالش در حال حاضر خانواده‌ها و نحوه‌ی درست استفاده کردن از فضای مجازی در کانون گرم خانواده مطرح کردند. سپس خانم احمدی تاریخچه‌ای از موسسه و این‌که با چه زمینه‌ی فکری و چگونگی تاسیس آن را بیان کردند و هدفشان ایجاد مرکزی همیشگی و قابل دسترس برای خانواده‌ها و همچنین آموزش خانواده‌های خارج از تهران با مضمون "آموزش از راه دور" بود، را طراحی نمودند و با تدوین کتاب‌های کار این طرح قوت بخشیدند.

از دیگر مطالب مهم سخنان ایشان ترویج دانش سطحی در رسانه‌های مجازی بود که بسیار زیبا به این مسئله پرداختند و در نهایت گروه‌های راه دور استان مازندران تقدیرنامه‌ای به خانم احمدی اهدا کردند.



قائم شهر

دوستان گروه‌های ترانه بهاری، شهاب، بوعلی و زیتون به همراه خانواده‌هایشان در پارک تلار قائم شهر با بازی‌های متنوع و صرف شام، در کنار یکدیگر جمع شدند.



دوستان گروه سپنتا ۱ و ۲ به همراه خانواده‌هایشان روز شاد و سرشار از انرژی را در کنار هم در یکی از پارک‌های جنگلی قائم شهر تجربه کردند.



شاهرود

جشن بازی و بازی‌های مشارکتی برای دانش‌آموزان یکی از مناطق محروم در شهرستان شاهرود توسط موسسه‌ی دوستداران کودک شاهرود



همایش ثانیه‌های ماندگار توسط موسسه‌ی دوستداران کودک شاهرود در شهرستان شاهرود

